



سیر تاریخی حدیث در سیستان عصر حضور

محمد رضایی^۱

محمد تقی سبحانی^۲

سید حسن طالقانی^۳

چکیده

سیستان یکی از مناطق اثر گذار در تاریخ و پژوهش های حدیثی در ایران به شمار می آید. در این پژوهش، سیر تاریخی حدیث در سیستان از قرن اول (هجری قمری)، تا پایان قرن سوم بررسی شده است؛ بیشتر محدثان سیستان مربوط به همین سه قرن بوده اند؛ دوره ای که در آن شمار محدثان اهل سنت فراوان تر گزارش شده است. در قرن اول حوزه حدیثی منسجمی در سیستان به وجود نیامد ولی در قرن دوم با حضور حریر بن عبدالله شیعی، این حوزه رشد یافت؛ در قرن سوم حوزه حدیثی اهل سنت به اوج فعالیت حدیثی خود رسید. این محدثان (شیعی و سنی) منشأ خلق آثار ارزشمندی در موضوعات مختلف حدیثی همچون مجموعه های حدیثی، فقه روایی و ... شدند.

کلید واژه ها: سیستان، شیعه، اهل سنت، تاریخ حدیث سیستان

* تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۴

۱. کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، گرایش کلام و عقاید اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث. (نویسنده مسئول)

Email: piry۳۱۳@yahoo.com

۲. رئیس پژوهشکده کلام اهل بیت (علیهم السلام)، استادیار رشته کلام و عقاید اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث

Email: sobhani.mt@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی پژوهشکده کلام اهل بیت (علیهم السلام).

Email: hasan.taleghani۸۷@gmail.com



درآمد

سیر تاریخی حدیث در مناطق خاص و شناخت شخصیت‌های حدیثی متناسب به آن مناطق، از جمله حوزه‌های مطالعاتی است که در طول تاریخ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این مناطق، منطقه سیستان است. محدثان نامی زیادی در این سرزمین متولد شده و یا بخشی از زندگی علمی خود را در آن گذرانده‌اند. بنابراین، اگر محدثی سیستانی (یا سجستانی) نامیده شود، بدین معناست یا در این سرزمین تولد یافته و یا مدتی از عمر خود را در این سرزمین زیسته و لقب سجستانی بر وی اطلاق گردیده است؛ اگرچه سخن از راویان و محدثان سیستانی تبار در کتاب‌های رجال، طبقات، فهرست‌نامه‌ها و نیز در آثارى که ویژه مشاهیر سیستان نوشته شده بسیار است،^۱ اما اثر مستقلی درباره محدثان این دیار نگاشته نشده است.

سیستان کنونی، در جلگه‌ی پست و همواری در منتهی‌الیه مرز شرقی ایران بین ۳۰ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۶۱ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. حد شرقی این شهر در امتداد رود مرزی هیرمند، مرز ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد.^۲ سیستان از شمال و مشرق به افغانستان، از جنوب به شهرستان زاهدان، از مغرب و شمال غربی به کویر لوت و شهرستان بیرجند در خراسان جنوبی محدود است.

اما سیستان در عصر حضور امامان معصوم علیهم‌السلام دارای وسعت بیشتری نسبت به سیستان کنونی بوده است؛ چنان‌که ابو اسحاق ابراهیم اصطخری مؤلف کتاب المسالك و الممالک چنین می‌گوید:

جانب شرقی سیستان، بیابان مکران است و زمین سند و بهری از اعمال مولتان و جانب غربی، خراسان و بعضی از اعمال هندوستان و جانب شمالی، زمین هندوستان و جانب غربی سیستان و کرمان و از جانب خراسان و غور و هندوستان و آن حدود تقویسی در می‌گردد و این صورت سیستان است.^۳

شهرهای سیستان از قرن اول تا سوم (هجری قمری) عبارتند از: «بُست، زَرَنج، رَخَج (قندهار امروزی)، نِه، طاق، قرنین، خواش، فره، کِس، جزه، رودان، سروان، صالحان، بغین، درغش، تل، بشلنک، بنجواى، کهک، غزَنه، قصر، سیوی، اسفنجای، جامان، ماهکان و اَسْفَرَار».^۴ با توجه به این‌که

۱. اویسی، جواد؛ دانشنامه سیستان، زاهدان: انتشارات تفتان، سال ۱۳۸۷-۱۳۹۰ هجری شمسی.

۲. افشار سیستانی، ایرج؛ سیستان‌نامه، تهران: مرغ‌آمین، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش؛ ج ۱، ص ۳۱.

۳. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی؛ المسالك و الممالک، القاهرة: الهيئة العامة لقصور الثقافة؛ ص ۱۹۲.

۴. همان، ص ۸۳.



موضوع مقاله مربوط به سیستان عصر حضور است، محدوده زمانی و مکانی سیستان از قرن اول تا قرن سوم مشخص گردیده است و آن محدوده‌ای که اصطخری محاسبه نموده، مورد بحث قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر این است که اولاً: سیر تاریخی حدیثی شیعه و سنی در سیستان مشخص گردد؛ ثانیاً: روش حدیثی محدثانی که دارای آثار حدیثی بوده‌اند، مورد کنکاش قرار گیرد. روش ما در این جا توصیفی تحلیلی است. موضوع با بررسی کتب کلامی، تاریخی، رجالی و حدیثی آغاز می‌گردد و سپس با ارزیابی و تحلیل داده‌های موجود به کشف جریان‌های فکری حدیثی این دیار می‌پردازد. روش گردآوری اطلاعات، بررسی و مطالعه کتب و اسناد موجود در کتابخانه‌ها می‌باشد؛ ابزار گردآوری نیز از طریق یادداشت‌های انجام شده و فیش‌برداری‌های صورت گرفته و نرم‌افزارهای موجود می‌باشد.

ورود اسلام به سیستان

سیستان در سال ۲۳ هـ ق در زمان خلافت عمر فتح شد، ولی مردمان این سرزمین علیه عرب‌ها شوریدند و حکومت را پس گرفتند؛ اما در زمان خلافت عثمان در سال ۲۵ تا ۳۳ هـ ق دوباره سیستان به تصرف مسلمانان درآمد و بعد از جنگ‌های پی‌درپی و درنهایت، صلح سیستانی‌ها، این منطقه نیز جزء قلمرو اسلام گردید.^۱

سیر حدیثی شیعه سیستان

ورود تشیع به سیستان

در زمان ورود اسلام به ایران، مردم سیستان، دین اسلام را نمی‌پذیرفتند و مقاومت می‌کردند تا این که امیرالمؤمنین علیه السلام نامه‌ای به مردم سیستان نوشت و آن نامه را به امام حسن مجتبی علیه السلام سپرد. امام حسن علیه السلام که به همراه لشکر اسلام به خراسان عزیمت کرده بود، نامه را به سیستانی‌ان رساند؛ سپس بختیار (حاکم سیستان) و مردم این دیار اذعان نمودند که این دینی است که به ما بشارت داده شده بود که پیامبر آخر الزمان ظهور می‌کند؛ در نتیجه سیستانی‌ان مسلمان شدند.^۲

۱. مجهول الهویه؛ تاریخ سیستان؛ مصحح: ملک الشعراء بهار، تهران: معین، ۱۳۸۷ هـ. ش؛ ص ۱۱۱-۱۱۴ و افشار سیستانی، ایرج؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۵.
۲. ملک شاه حسین سیستانی؛ احیاء الملوک، به اهتمام دکتر منوچهر ستوده؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ ص ۸ و ۹ و ۴۸. محتوای نامه امام علی علیه السلام در کتب تاریخی بیان نشده است ولی احتمالاً این نامه، نشانه‌هایی از کتب پیامبران پیشین درباره پیامبر اسلام آورده بود که آنان پذیرفتند و مسلمان شدند.



در این هنگام یاران امیرالمؤمنین علیه السلام احکام دین اسلام را، به مردم سیستان آموختند و محبت اهل بیت در قلوبشان جای گرفت. در نتیجه، هنگامی که معاویه نامه‌ای به سرزمین‌های اسلامی فرستاد تا علی بن ابی طالب علیه السلام را لعن کنند، مردم سیستان حاضر شدند سالیانه مقداری طلا به معاویه بدهند ولی سب امام شیعیان را نکنند. اما معاویه به این کار راضی نشد و گفت یا علی را سب کنید یا سرهای زنان خود را بتراشید و در میدان شهر بیاورید؛ مردم سیستان حتی حاضر شدند سرهای زنان خود را بتراشند ولی سب امیرمؤمنان علیه السلام را نکنند.^۱

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام خلافت را به عهده گرفت، عده‌ای علیه آن حضرت شوریدند و علم مخالفت برافراشتند؛ از جمله آنان، خوارج بودند که در پایان، شکست خوردند و به گوشه و کنار بلاد اسلامی گریختند.^۲

فعالیت حدیثی شریح بن هانی

در قرن اول، حوزه شیعه سیستان فعالیت حدیثی خود را آغاز کرد که از جمله این افراد «شریح بن هانی» بوده است. او به دستور امیرالمؤمنین علیه السلام وارد آن دیار شد و علیه خوارج پیکار می‌کرد و تا سال ۷۸ هـ.ق در آن دیار سکونت گزیده و در همین سال در ۱۲۰ سالگی به شهادت رسیده است؛^۳ وی یکی از محدثانی بود که از حضرت علی علیه السلام حدیث می‌آموخت.^۴

در کتب شیعی نیز از وی روایاتی نقل شده است^۵ ولی رجالیان شیعی درباره وی جرح و تعدیلی ذکر نکرده‌اند و نامی از وی در کتب رجالی شیعه، غیر از معجم الرجال، نیامده است؛ اما طبق شواهد و قرائن، می‌توان به روایت وی اعتماد کرد؛ اولاً: وی بارها از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان فرمانده لشکر آن حضرت، علیه مخالفان ایفای نقش کرده است؛^۶ ثانیاً: ذهبی، که استوانه رجالی اهل سنت است،

۱. همان، ص ۸ و ۹.

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الانوار، بیروت: ۱۴۰۳ هـ.ق / ۱۹۸۳ م؛ ج ۳۳، ص ۳۲۵.

۳. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، محقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۰۵ هـ.ق؛ ج ۴، ص ۱۰۷-۱۰۹.

۴. همان.

۵. طوسی، محمد بن حسن؛ التهذیب، محقق / مصحح: خرسان، حسن موسوی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ ج ۵، ص ۲۱۲.

۶. منقری، نصر بن مزاحم؛ وقعة الصفین، محقق: عبدالسلام محمد هارون، ناشر: المؤسسة العربية الحديثة للطبع و النشر، چاپ دوم، ۱۳۸۲ هـ.ق؛ ص ۵۳۳ و ۵۴۲.



وی را از اصحاب و نزدیکان امیرالمؤمنین علیه السلام بر شمرده؛ همچنین صاحب کتاب الاستیعاب، شریح را از بزرگان اصحاب امیرالمؤمنین دانسته است.^۱

شریح بارها احادیثی را از امام علی علیه السلام نقل کرده است؛ چنان که نصر بن صالح می‌گوید:

همراه شریح در غزوه سیستان بودم که او حدیثی را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرد که حضرت فرمودند: «بهترین بندگان خدا کسانی هستند که پایبند و دوستدار حق هستند و بدترین انسان‌ها کسانی هستند پایبند و دوستدار باطل اند».^۲

غیر از فعالیت حدیثی شریح بن هانی، گزارشی دیگر مربوط به این قرن در کتب حدیثی و رجالی وجود ندارد.

در قرن دوم بین حوزه حدیثی سیستان با حوزه حدیثی مدینه رابطه تنگاتنگی وجود داشته است و محدثانی از سیستان راهی مدینه می‌شدند تا مبانی حدیثی را فرا گرفته و از مکتب حدیثی امام باقر و صادق علیهما السلام بهره جویند. از جمله افرادی مانند:

حریز بن عبدالله السجستانی

وی اصالتاً کوفی بوده ولی به خاطر کثرت ترددش به سیستان و اقامت در آنجا، به «حریز سجستانی» معروف گشته است؛ او از بزرگترین راویان و فقیهان شیعی بوده و احادیث فراوانی از او نقل شده است؛ به گونه‌ای که مرحوم خوبی معتقد است ۲۳۲۰ روایت از وی در کتب حدیثی شیعه وجود دارد؛ چنان که ۱۷۰ روایت از روایات امام باقر و امام صادق علیهما السلام را به صورت مستقیم، و بقیه را به صورت غیرمستقیم نقل کرده است.

- ۴۹ روایت از ابویبراهیم و ابواسامة و ابوبصیر.

- ۴۸۴ روایت از ابوالجارود و ابوعبیده و ابوکهمس و ابن ابی‌یعفور و ابن اذینة و ابن بکیر و ابن مسلم و إسحاق بن عمار و إسماعیل بن جابر و إسماعیل بن عبدالخالق و بحرالسقاء و برید و برید بن معاویة و برید بن معاویة العجلی و برید العجلی و بکیر و بکیر بن‌اعین و حدید بن حکیم الأزدی و الحکم و حمران

۱. ذهبی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد؛ سیر اعلام النبلاء، تحقیق: گروهی از محققان با اشراف شیخ شعیب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۰۵ هـ.ق؛ ج ۴، ص ۱۰۷.

۲. منقری، نصر بن مزاحم؛ پیشین؛ ص ۵۴۲.



و حمزة بن حمران.

- ۳۹ روایت از زرارة بن أعین و زید الشحام و سدير الصيرفي و ضريس و عامر بن جذاعة و عبد الرحمن بن أبي عبد الله و عبد الملك بن أعین و عبید بن زرارة و عطاء بن السائب و علی بن یقطين و عمر بن أذينة و عمر بن حنظلة و عمر بن یزید و الفضل أبي العباس و الفضیل.

- ۳۳۲ روایت از فضیل بن یسار و محمد و محمد بن إسحاق و محمد بن حکیم و محمد بن مسلم و بقیه روایات را از بقیه راویان نقل کرده است.^۱

اکثر روایات او در زمینه فقه و دارای آثاری در این زمینه بوده است؛ مانند «کتاب الزکاة، کتاب الصلاة، کتاب الصیام، کتاب النوادر»؛^۲ به گونه‌ای که در زمان امام صادق علیه السلام کتاب الصلاة حریر مورد رجوع شیعیان بوده است و عده‌ای این کتاب را به خاطر می‌سپردند و نمازشان را بر اساس این کتاب بجا می‌آوردند^۳ و محدثان شیعی به کتاب‌های حریر اعتماد می‌کردند به گونه‌ای که کتاب‌های او مرجع روایی شیخ صدوق بوده است.^۴

او توانست در مدت زمانی که در سیستان اقامت داشته، یارانی پیدا کند و آنان را با تفکر حدیثی اهل بیت علیهم السلام آشنا سازد؛ چنان که شیعیان این دیار، حریر را مرجع فقهی خود می‌دانستند. عده‌ای از خوارج سب حضرت علی علیه السلام را می‌کردند و شیعیان که متوجه این اتفاق بودند، نزد حریر می‌آمدند و از وی اجازه می‌گرفتند تا این افراد را به قتل برسانند و او (به سبب ناصبی بودن این افراد) فتوا به قتل آنان می‌داد و خوارج ایشان را به شهادت رساندند.^۵

وی به همراه پدرش، عبدالله بن الحسین، که قاضی وقت سیستان بود،^۶ مردم آن دیار را با تفکر

۱. خوبی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث، بیروت: منشورات مدينة العلم، ۱۴۰۳ ه. ق؛ ج ۴، ص ۲۵۴.
۲. طوسی، محمد بن حسن؛ فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، محقق / مصحح: طباطبائی، عبدالعزیز، قم: مکتبة المحقق الطباطبائی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه. ق، چاپ اول؛ ص ۱۶۲.
۳. امین، سید محسن؛ أعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ه. ق؛ ج ۴، ص ۶۱۹.
۴. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه؛ کتاب من لایحضره الفقیه، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق؛ ج ۱، ص ۳۰۰.
۵. خوبی، ابوالقاسم؛ پیشین؛ ج ۴، ص ۲۵۳.

۶. بعضی منابع رجالی اهل سنت عبدالله بن الحسین را متمایل به تشیع دانسته‌اند؛ چنان که مزی و ذهبی درباره وی معتقدند ابوحریر قاضی قائل به رجعت بوده است؛ زیرا وی در یک بحث کلامی که با هشام سجستانی داشته ثابت نموده که هفتاد و دو آیه از آیات قرآن دلالت بر رجعت می‌کنند. مزی، یوسف بن عبدالرحمن؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال؛

شیعی آشنا ساخت؛^۱ چنین شد که از آن پس، افرادی از سیستان افرادی خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسیدند و مشکلات خود را با ایشان در میان می‌گذاشتند و آن‌حضرت به سؤال‌های آنان پاسخ می‌داد.^۲

حبیب السجستانی

وی در ابتدا از خوارج سیستان بوده است ولی از مسلکش توبه می‌کند و از یاران امام باقر و صادق علیهما السلام می‌گردد^۳ و اکثر روایاتی که از وی در کتب روایی شیعه نقل شده، در زمینه اعتقادات و فقه است.^۴ در قرن سوم نیز تفکر شیعه در سیستان وجود داشته است چنان‌که در زمان امامت امام جواد علیه السلام، حاکم سیستان از محبان اهل بیت علیهم السلام بود و امام برای او نامه‌ای نوشته است.^۵

أبوخالد السجستانی

معروف‌ترین راوی شیعی این قرن «أبوخالد السجستانی» است؛ او از یاران امام موسی بن جعفر علیه السلام بوده است و هنگامی که این امام به شهادت رسیدند، او به ستارگان نگر بست (وی منجم هم بود) و گمان کرد که بعد از امام هفتم، امامت خاتمه می‌یابد؛ بنابراین واقفی شد. البته وی به زودی به اشتباه خود پی‌برد و از یاران امام رضا علیه السلام گردید.^۶

محقق: بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۰۰ هـ. ق؛ ج ۱، ص ۴۲۲ و ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن احمد؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۵ م؛ ج ۴، ص ۸۲.

۱. در کتاب‌های تاریخی و رجالی، فقط حضور حریر در سیستان و مراجعه شیعیان به او ذکر شده است؛ طولانی بودن حضور این محدث و فقیه شیعی در سیستان، نشان‌گر این است که وی شاگردانی در این منطقه تربیت کرده است؛ گرچه نامی از شاگردان سیستانی‌اش در تاریخ نیامده است.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ هـ. ق؛ ج ۵، ص ۲۵۳.

۳. همان، ص ۳۴۷.

۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن، محقق / مصحح: جلال الدین محدث؛ قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ هـ. ق؛ ج ۱، ص ۹۴؛ ج ۲، ص ۳۲۱ و ۳۳۴.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ پیشین؛ ج ۵، ص ۱۱۱.

۶. کشی، محمد بن عمر؛ رجال کشی، محقق / مصحح: محمد بن حسن طوسی و مصطفوی؛ مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ هـ. ق؛ ص ۶۱۲.





سیر حدیث اهل سنت سیستان

راویان سنی

در کنار جریان فکری شیعه، اهل سنت هم در این منطقه محدثان فراوانی داشته‌اند؛ این محدثان در قرن اول و دوم عبارتند از:

قرن اول

خالد بن ابی‌نوف سجستانی^۱

این راوی برای آموختن حدیث، راهی مکه شده و از کسانی همچون عطاء بن ابی رباح أسلم القرشی، که مفتی مکه در آن زمان بوده و ۲۰۰ نفر از صحابه را درک کرده بوده، حدیث آموخته است و کسانی مانند یونس بن ابی اسحاق، که البته او هم از محدثان سرشناس کوفه بوده، از این راوی حدیث آموخته است.^۲

قرن دوم

در قرن دوم، حوزه حدیثی اهل سنت سیستان رشد بیشتری نسبت به قرن اول داشت و محدثان معروفی در این قرن از سیستان بوده‌اند؛ در ادامه به معرفی چند تن از این شخصیت‌ها می‌پردازیم.

حماد بن زید سجستانی

ایشان از بزرگ‌ترین راویان و فقیهان عصرش بوده؛ گرچه اصالتاً سیستانی بوده، امام حدیثی بصره بوده است؛ از وی چهار هزار حدیث در کتب اهل سنت وجود دارد که نشان‌گر تبحر و تسلطش در زمینه حدیثی اهل سنت بوده است؛ چنان‌که عبدالرحمن بن مهدی (از رجالیان اهل سنت) معتقد است که حماد یکی از چهار محدث بزرگ زمانه خود و عالم تراز اول حدیث و فقه بصره بوده است؛ تسلط وی در حدیث به گونه‌ای بود که بعضی رجالیان اهل سنت معتقدند او هرگز در نقل روایت هرگز خطا نکرده است. حماد عاقبت در سال ۱۷۹ ه. ق. وفات کرد.^۳

مکتب فکری حماد:

۱. سجستان مغرب سیستان است (قمی، عباس؛ الکنی واللقاب، مقدمه نویس: محمد هادی امینی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۶۸ ه. ش؛ ج ۱۰، ص ۱).

۲. مزی، یوسف بن عبدالرحمن بن یوسف؛ پیشین؛ ج ۸، ص ۱۸۶.

۳. ذهبی، شمس‌الدین أبو عبد الله محمد بن احمد؛ سیر اعلام النبلاء، پیشین؛ ج ۷، ص ۴۵۶-۴۶۶.



حماد دارای تفکرات اهل حدیث بوده و به ظاهر آیات و روایات تمسک می‌کرد. نقل شده که شخصی نزد او آمد و گفت: آیا در قرآن چیزی درباره اصحاب حدیث آمده است؟ او در پاسخ گفت: آری؛ سپس این آیه را تلاوت کرد: (وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)^۱؛ خطیب بغدادی قول حماد را چنین توجیه کرده است که آیه فوق درباره کسی نازل شده است که فقه و حدیث را فراگیرد و سوی دیارش بازگردد.^۲

او طبق مبنای اهل حدیث در مسئله خلق قرآن موضع گرفته و منکر خلق قرآن شده است و اعتقاد دارد همان‌گونه که خدا قدیم بوده، قرآن نیز از ابتدای خلقت وجود داشته است.^۳

ایشان با حوزه حدیثی شیعی رابطه داشته و از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده^۴ و از استادان شیعی بهره جسته است؛ از جمله سلیم بن قیس الهمدانی.^۵

نصر بن زید المجدری

وی نیز سیستانی الأصل بوده و از استادان برجسته‌ای همچون مالک بن انس بهره برده که این خود نشان می‌دهد وی با تفکرات مالک، که از اهل حدیث به شمار می‌آمده، رشد کرده است؛ البته وی با حوزه حدیثی شیعی قم و افرادی مانند یعقوب بن عبدالله قمی اشعری نیز رابطه داشته و شاگردی او را کرده است.^۶

زافر بن سلیمان الایادی

وی اصالتاً قوهستانی بوده، ولی چون در قرن دوم قاضی سیستان بوده است، بدین مناسبت از او یاد می‌کنیم.

او یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و از طرف دیگر، شاگردی مالک بن انس را نیز کرده است.^۷

۱. توبه/ ۱۲۲.

۲. خطیب بغدادی، أبوبکر احمد بن علی بن ثابت؛ الرحلة فی طلب الحدیث، محقق: نورالدین عتر، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۳۹۵ هـ. ق؛ ص: ۸۶.

۳. مزی، یوسف بن عبدالرحمن بن یوسف؛ پیشین؛ ج ۷، ص ۲۴۹.

۴. سبحانی، جعفر؛ موسوعة طبقات الفقهاء، قم؛ مؤسسة امام صادق، ۷، ۱۴۱۸ هـ ق؛ ج ۲، ص ۱۶۱.

۵. شیبانی، أبوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل؛ مسند أحمد بن حنبل؛ محقق: شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ. ق؛ ج ۳، ص ۲۷.

۶. مزی، یوسف بن عبدالرحمن بن یوسف؛ پیشین؛ ج ۲۹، ص ۳۴۶.

۷. خطیب بغدادی، أبوبکر احمد بن علی بن ثابت؛ تاریخ بغداد، محقق: الدكتور بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب



وی با راویان حدیثی شیعه رابطه داشته و از همدیگر نقل روایت می‌کردند؛ افرادی مانند: قیس بن ربیع و عبیدالله بن موسی العبسی.^۱

در نتیجه، این قرن را می‌توان اوج رابطه مردم سیستان با حوزه حدیثی اهل بیت علیهم‌السلام دانست.

قرن سوم

حوزه حدیثی اهل سنت در این قرن به اوج خود رسید و عالمان بزرگی را تحویل جامعه اهل سنت داد که سرشناس‌ترین علمای این قرن عبارتند از:

أبوداود سجستانی

أبوداود سلیمان بن اشعث بن شداد یکی از استوانه‌های حدیثی و فقهی اهل سنت است؛ وی در سیستان یعنی سرزمین اجدادیش به سال ۲۰۲ هـ. ق متولد و برای آموختن حدیث راهی بصره شد. وی از مشایخ بزرگی همچون سلیمان بن حرب و ابی‌الثَّعمان بهره جست. عشق به حدیث، او را راهی شام، مصر، عراق و نیشابور کرد و بعد از اینکه به مقام والای حدیثی دست یافت، به سیستان بازگشت و مردم آن‌جا را با مبنای حدیثی خود آشنا کرد؛ سپس در اواخر عمرش به بصره بازگشت و در آن‌جا سکونت گزید و در سال ۲۷۵ (هـ. ق) وفات نمود.^۲

این عالم از شاگردان بزرگ احمد بن حنبل و دارای تفکرات اهل حدیث بود و طبق مبنای اهل حدیث، فقط به ظواهر قرآن و حدیث تکیه می‌کرد و از هرگونه فرورفتن در قرآن و سنت به وسیله عقل، اجتناب نموده، به حجیت عقل قائل نبوده است.^۳ وی دارای کتاب‌هایی در زمینه حدیث بوده است؛ از جمله سنن، الزهد، مراسیل ابی‌داود، سؤالات ابی‌عبید الآجری أباداود السجستانی فی الجرح و التعديل.

زکریا بن یحیی السجزی^۴

او مشهور به «خیاط السنه» است که در سال ۱۷۵ هـ. ق متولد شده و در سال ۲۸۹ هـ. ق رحلت نموده است؛

الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ. ق؛ رقم ۲۹۳۲.

۱. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الأوسط؛ قاهره: دار الحرمین، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق؛ رقم ۷۲۲۴.

۲. ذهبی، شمس‌الدین أبو‌عبیدالله محمد بن احمد؛ سیر اعلام النبلاء، پیشین؛ ج ۱۳، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۳. همان؛ ص ۲۱۵.

۴. نام دیگر سیستان «سجز» بوده است (حموی، شهاب‌الدین أبو‌عبیدالله یاقوت بن عبدالله الرومی؛ معجم البلدان؛ بیروت: دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ م؛ ج ۳، ص ۱۸۹).



وی اصالتاً سیستانی ولی ساکن دمشق بوده و یکی از حفاظ حدیث زمانه خود به شمار می آمده است.^۱ بسیاری از علمای اهل سنت سیستان برای آموختن حدیث به مناطق دوردست سفر می کردند و در آن مناطق سکونت می گزیدند و عالم آن جا می شدند (که خیاط السنه نیز یکی از آنهاست) و این، خود نشان گر عشق مردمان آن دیار به آموختن حدیث است.

عمر بن الخطاب السجستانی

او نیز نزد محدثان بزرگی مانند آدم بن ابی ایاس که محدث بزرگ خراسان بوده و همچنین از محدثان عراق و شام حدیث آموخته است و کسانی مانند ابوداود و فرزندش شاگردی وی را کرده اند؛ علمای اهل سنت حدیث وی را پذیرفته اند به گونه ای که ابن حبان، وی را «مستقیم الحدیث» دانسته است و عاقبت در سال ۲۶۴ هـ. ق در کرمان وفات نموده است.^۲

وی از راویان شیعی از جمله عبیدالله بن موسی العبسی که از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است نیز نقل روایت می کرده است.^۳

عثمان بن سعید الدارمی السجستانی

وی از محدثان بزرگ اهل سنت در سیستان بوده است؛ او برای آموختن حدیث از آن جا رهسپار بلادی مانند مکه، مدینه، شام، عراق و مصر شد و دوباره به سیستان بازگشت و از محدثان سرشناس آن جا و هرات گردید. بسیاری از محدثان هرات، نیشابور و سیستان شاگردی وی را کرده اند که از جمله آنان ابوداود سجستانی است. وی عاقبت در سال ۲۸۰ هـ. ق در هرات وفات نموده است.^۴

روش او در برابر حدیث، برگرفته از احمد بن حنبل و یحیی بن معین، که استادانش بودند، می باشد. وی فقط به ظاهر آیات و روایات تمسک می کرد؛ همان گونه که خودش به صراحت بیان می کند، طبق ظاهر آیه شریف «الْوَحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»^۵، خداوند بر روی عرش نشسته و نظاره گر عالم است؛ همچنین بارها نسبت به خلق قرآن مخالفت کرد و قائل به قدم کلام الهی بود. وی هرگز قائل به تأویل آیات قرآن

۱. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد؛ تذکرة الحفاظ، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ -

۱۹۹۸ م؛ ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. مزی، یوسف بن عبدالرحمن بن یوسف؛ پیشین؛ ج ۲۱، ص ۳۲۶.

۳. همان؛ ص ۳۲۷.

۴. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد؛ سیر اعلام النبلاء، پیشین؛ ج ۱۳، ص ۳۱۹-۳۲۱.

۵. طه / ۵.



نبود به گونه‌ای که برای ادعایش این آیه را تلاوت می‌کرد: «رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ»^۱.

أبو حاتم السجستانی البصری

وی اصالتاً بصری بوده است ولی به خاطر این که به سیستان مسافرت کرده و در آن جا سکونت گزیده، به ابو حاتم سجستانی مشهور شده است؛ تخصص اصلی او ادبیات بوده و کتاب‌های فراوانی مانند اعراب القرآن، القراءات، الفصاحة در این زمینه نوشته است؛ وی روایاتی نیز نقل می‌کرده و از محدثان به‌شمار می‌آمده است.^۳

نتیجه‌گیری

فعالیت حدیثی سیستان با ورود یاران امام علی علیه السلام به این منطقه آغاز شده است؛ اما حوزه حدیثی منسجمی در این قرن شکل نگرفت؛ در قرن دوم هجری قمری، محدثانی اعم از شیعه و سنی از سیستان روانه مدینه می‌شدند تا از امام باقر و امام صادق علیهما السلام حدیث بیاموزند. از سوی دیگر، محدثان بزرگی مانند حریر سجستانی در سیستان سکونت گزیده و مردم آن جا را با مبنای حدیثی اهل بیت علیهم السلام آشنا ساخته است؛ از قرن سوم، حوزه حدیثی اهل سنت شروع به رشد کرده و محدثان بزرگی مانند ابوداود سجستانی را تحویل جامعه اهل سنت داده است که در این نوشتار روش و آثار حدیثی او مورد کنکاش قرار گرفت. بیشتر این محدثان اهل سنت، دارای تفکر اهل حدیث بوده و آثار فراوان حدیثی از خود به جا گذاشته‌اند؛ از مهم‌ترین آثار حدیثی محدثان شیعی سیستان، کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی است که مرجع حدیثی فقهی شیعه بوده است و از شاخص‌ترین آثار حدیثی فقهی اهل سنت، سنن ابوداود سجستانی است که تأثیر فراوانی در زمینه فقهی اهل سنت از خود بر جای گذاشته است.

۱. آل عمران / ۵۳.

۲. ذهبی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد؛ سیر اعلام النبلاء، پیشین؛ ج ۱۳، ص ۳۲۵.

۳. همان؛ ج ۱۲، ص ۲۶۸-۲۷۰.

فهرست منابع

۱۴۹



۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد شیبانی جزری؛ الكامل فی التاريخ، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری؛ بیروت: دار الکتب العربی، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق. / ۱۹۹۷ م.
۳. اصطخری، أبو اسحاق ابراهیم بن محمد فارسی؛ المسالك و الممالك، القاهرة: الهيئة العامة لقصور الثقافة.
۴. افشار سیستانی، ایرج؛ سیستان نامه، تهران: مرغ آمین، چاپ اول، ۱۳۶۹ هـ. ش.
۵. امین، سید محسن؛ أعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۶. اویسی، جواد؛ دانشنامه سیستان، زاهدان: تفتان، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ. ش.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن، محقق / مصحح: جلال الدین محدث؛ قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ هـ. ق.
۸. حموی، شهاب الدین أبو عبد الله یاقوت بن عبد الله رومی؛ معجم البلدان، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ م.
۹. خطیب بغدادی، أبو بکر احمد بن علی بن ثابت؛ الرحلة فی طلب الحدیث، محقق: نورالدین عتر، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۳۹۵ هـ. ق.
۱۰. _____؛ تاریخ بغداد، محقق: الدكتور بشار عواد معروف؛ بیروت: دار الغرب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ. ق.
۱۱. خوبی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث، بیروت: منشورات مدینة العلم، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۲. سبحانی، جعفر؛ موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ هـ. ق.
۱۳. ذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن احمد؛ تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام؛ محقق: عمر عبدالسلام التدمری؛ بیروت: دار الکتب العربی.
۱۴. _____؛ تذكرة الحفاظ، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م.
۱۵. _____؛ سیر اعلام النبلاء، تحقیق: گروهی از محققان با اشراف شیخ شعیب الأرناؤوط؛ مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۱۶. _____؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل أحمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۵ م.
۱۷. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه؛ التوحید، محقق و مصحح: حسینی، هاشم، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ هـ. ق.
۱۸. _____؛ کتاب من لایحضره الفقیه، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ. ق.



۱۹. طوسی، محمد بن حسن؛ فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، محقق و مصحح: عبدالعزيز طباطبائی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
۲۰. _____؛ التهذيب، محقق و مصحح: حسن موسوی خراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. قمی، عباس؛ الكنى والالقب، مقدمه نویس: محمد هادی امینی، تهران: مكتبه الصدر، ۱۳۶۸ ه.ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الكافي، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الكتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ه.ق.
۲۳. کشی، محمد بن عمر؛ رجال کشی، محقق و مصحح: محمد بن حسن طوسی و مصطفوی؛ مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۴. مجهول الهوية، تاریخ سیستان، مصحح: محمدتقی بهار، تهران: معین، ۱۳۸۷ ه.ش.
۲۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق / ۱۹۸۳ م.
۲۶. مزى، يوسف بن عبدالرحمن بن يوسف، أبوالحجاج، جمال الدين ابن الزكى أبى محمد قضاعى كلبى؛ تهذيب الكمال فى أسماء الرجال؛ محقق: بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۰۰ ه.ق.
۲۷. ملك شاه حسين سيستانى؛ احياء الملوك، به اهتمام دکتر منوچهر ستوده؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب.
۲۸. منقرى، نصر بن مزاحم؛ وقعة الصفين، محقق: عبدالسلام محمد هارون، ناشر: المؤسسة العربية الحديثة للطبع و النشر، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ه.ق.